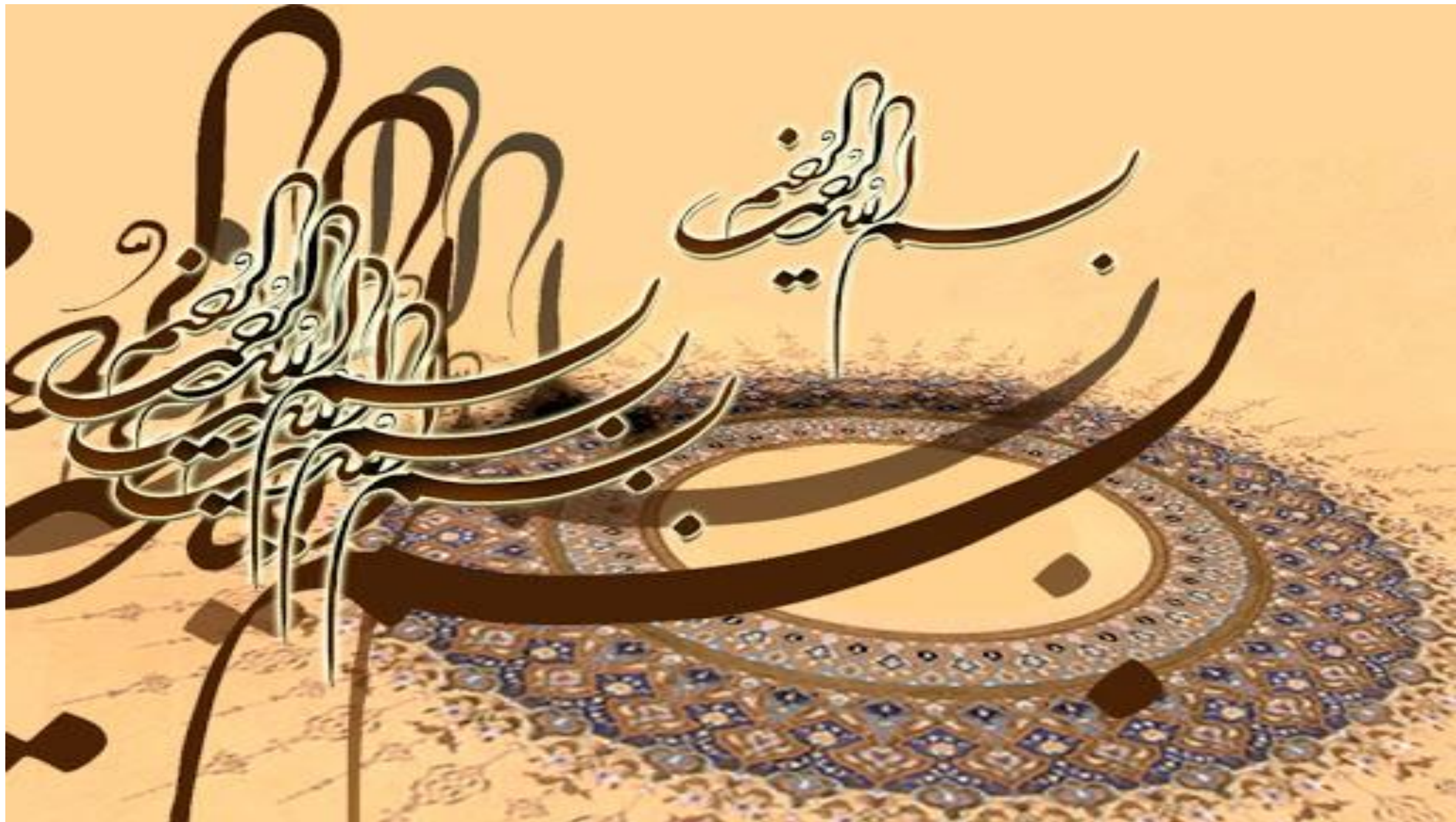


اخلاق دانش‌اندوزی

۱. اهمیت و ضرورت
۲. دانش‌اندوزی و پارسایی
۳. موانع دست‌یابی به علم حقیقی
۴. آداب اخلاقی آموختن
۵. خودشناسی

گروه معارف اسلامی دانشگاه شاهرود



۱. اهمیت و ضرورت

- ❖ نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم نازل شد، بهترین دلیل بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلم در اسلام است: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ».
- ❖ پیامبر در مسجد نزد گروهی رفتند که مشغول مذاکره و مباحثه علمی بودند و آنان را بر عبادت‌کنندگان ترجیح دادند و فرمودند: «من برای تعلیم فرستاده شده‌ام».
- ❖ قرآن کریم به صراحت تعلیم را یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبر اکرم (ص) معرفی کرده است. (آیه ۲ سوره جمعه)
- ❖ همچنین قرآن می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله، ۱۱) و «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹).
- ❖ برای اهمیت و ضرورت علم‌آموزی در قرآن همین کفایت می‌کند که واژه «علم» ۸۰ بار و مشتقات آن در حدود ۷۰۰ بار به کار رفته است.

۱. اهمیت و ضرورت

○ فراگیری علم از دیدگاه اسلام ضرورتی مطلق است؛ یعنی:

۱. قید افرادی ندارد: «فراگیری علم و دانش بر هر مسلمانی واجب است».
۲. قید زمانی ندارد: «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد، ز گهواره تا گور دانش بجوی».
۳. قید مکانی ندارد: «دانش را بیاموزید هر چند در چین باشد».
۴. قید و محدودیت معلمی نیز ندارد: «حکمت گمشده مومن است، پس آن را فراگیرید هر چند در دست منافق باشد».

۱. اهمیت و ضرورت

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«برتری عالم بر عابد همچون برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است».

«به درستی که برتری عالم بر عابد همچون برتری خورشید بر سایر سیارات است».

امام باقر از قول پیامبر اسلام نقل می‌فرماید: «به درستی که برای آموزگار خوبی‌ها، جنبدگان زمین و ماهیان دریا و جانداران فضا و همه آسمانیان و زمینیان طلب مغفرت می‌کنند؛ و به درستی که یاد دهنده و یاد گیرنده دارای پاداشی یکسان‌اند؛ روز قیامت همچون دو اسب مسابقه دوشادوش یکدیگر می‌آیند».

باید یادآور شد که فراگیری علم و دانش مطلوبیت ذاتی ندارد.

۲. دانش‌اندوزی و پارسایی

در قرآن کریم تصریح شده است که ثمره پارسایی، بهره‌مندی از فرقان و قدرت تشخیص حق از باطل است: «إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا». آیا این بدان معناست که علم‌اندوزی کافران و بی‌تقوایان از نظر قرآن بیهوده و بی‌نتیجه است؟

پارسایی چه نقشی در تعلیم و تحصیل معرفت و دانش حقیقی دارد که دانش‌اندوزی ناپارسایان راه به جایی نمی‌برد؟

بی‌تردید، متون دینی، همه انسان‌ها حتی کافران و فاسقان را به دانش‌اندوزی و پیروی از دانش و پرهیز از پیروی گمان دعوت کرده و به تعقل و تدبیر فراخوانده‌اند. قرآن خود نیز در برابر حق‌گريزان، عملاً به اقامه دلیل عقلی پرداخته است.

۲. دانش‌اندوزی و پارسایی

نشان‌دن پارسایی در کنار خردورزی و دانش‌اندوزی به معنای ناتوانی بی‌تقوایان از درک و اقامه براهین عقلی نیست، بلکه مراد بازگرداندن روح و سرشت آدمی به حالت پاکی و صداقت نخستین و فطری‌اش است تا فراگیری و پذیرش حقایق را برای او تسهیل کند.

انسان دارای نیروهای متضاد و متزاحم است که هر نیرویی بی‌توجه به نیروهای دیگر در اندیشه ارضای خویش است. طبیعتاً تلاش انسان در جهت ارضای خواسته‌های یک قوه و بی‌اعتنایی به قوای دیگر موجب میل فکری به سوی آن و غفلت از مقتضیات سایر قوا و در نتیجه انحراف فکری و عقیدتی خواهد شد. پارسایی در کنار دانش‌اندوزی و تزکیه و زدودن زنگار گناه و وسوسه شیطان از دل همراه با تعلیم، تفکر آدمی را از بند اسارت شیاطین درونی و بیرونی آزاد می‌سازد.

تقوا سبب می‌شود فطرت انسان به پاکی و زلالی نخستین خود بازگردد تا علاوه بر بهره‌مندی بیشتر از بینش و بصیرت، به آسانی و بدون دخالت هواهای نفسانی بتواند حقایق را بپذیرد و دانش‌های درست و سودمند را به دست آورد.

۲. دانش‌اندوزی و پارسایی

طبع خواهد تا کشد از خصم کین * * * * * عقل بر نفس است بند آهنین
آید و منعش کند و ا داردش * * * * * عقل چون شحنه‌ست در نیک و بدش
عقل ایمانی چو شحنه‌ی عادل است * * * * * پاسبان و حاکم شهر دل است
هم‌چو گربه باشد او بیدارهوش * * * * * دزد در سوراخ ماند هم‌چو موش
در هر آنجا که برآرد موش دست * * * * * نیست گربه یا که نقش گربه است
گربه چه شیر شیرافکن بود * * * * * عقل ایمانی که اندر تن بود
غره‌ی او حاکم درندگان * * * * * نعره‌ی او مانع چرندگان
شهر پر دزدست و پر جامه‌کنی * * * * * خواه شحنه باش گو و خواه نی

۳. موانع دستیابی به علم حقیقی

ذهن آدمی، گاه در اثر چینش نادرست مقدمات یا کوتاهی در انتخاب مواد یقین‌آور برای استدلال، دچار خطا می‌شود و به نتیجه‌ای نادرست می‌یابد. برای پرهیز از این گونه لغزش‌ها باید علم منطق و انواع مغالات را به درستی آموخت و به درستی به کار گرفت. ولی گاه انسان در اثر مشکلات اخلاقی و آلودگی‌های نفسانی از درک درست حقایق ناتوان می‌گردد و سراب را آب می‌پندارد.

موانع دستیابی به علم حقیقی:

تقلید کورکورانه

پیروی از حدس و گمان

تمایلات نفسانی

شتاب‌زدگی

۳. موانع دستیابی به علم حقیقی

۱-۳. پیروی از حدس و گمان

چون دستیابی به یقین و تشخیص واقعیت در همه امور روزمره زندگی، کاری دشوار یا غیر ممکن است، بیشتر آدمیان، با توجه به غریزه راحت‌طلبی، اساس زندگی خود را بر گمان بنا می‌کنند و با تکیه بر آن، به زندگی خویش ادامه می‌دهند.

یکی از لغزشگاه‌های فهم و اندیشه درست آن است که انسان این عادت بد را به ساحت تفکر عقلانی و علمی سرایت دهد و به جای پیروی از یقین، به گمان و حدس بسنده کند. این امر، به ویژه در مسائل اساسی و زیربنایی اندیشه بشر، مانند اعتقادات دینی، زیان‌هایی جبران‌ناپذیر به بار می‌آورد.

قرآن کریم به شدت با پیروی از حدس و گمان مخالفت ورزیده و مخاطبان خود را از آن برحذر داشته و در مقابل به پیروی از علم دستور داده است:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء، ۳۶)

(و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن؛ گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد).
دکارت: هیچ چیز را نپذیرم مگر آن که چنان روشن و متمایز باشد که جای هیچ گونه شک و شبهه‌ای در آن نباشد.

۳. موانع دستیابی به علم حقیقی

۲-۳. تقلید کورکورانه

متأسفانه بسیاری از مردمان، بر مسائل فرعی و جرئی زندگی، مانند نوع پوشش و وضعیت ظاهری خود در اندیشه و نوع نگاه به مسائل کلی و حیاتی نیز از دیگران تقلید می‌کنند. در واقع ریشه تقلید در مسائل جزئی و فرعی و منشأ اصلی مدپرستی و مدگرایی، خودباختگی فکری و تقلید در اندیشه و مسائل کلی است. یکی دیگر از موانع تحصیل علم واقعی و داشتن اندیشه درست، سپردن مهار تفکر به دست دیگران است. ویژگی بسیاری از مردم این است که باورهای عمومی و اجتماعی را به سادگی و بدون تفکر می‌پذیرند. اسلام یکایک انسان‌ها را دارای شخصیتی مستقل دانسته، «فرد» را «مسئول» می‌شناسد و تقلید کورکورانه از بزرگان جامعه را عامل گمراهی عده‌ای می‌شمارد.

تقلید از: گذشتگان، بزرگان و اکثریت

تقلید: مذموم و ممدوح

۳. موانع دستیابی به علم حقیقی

۳-۳. شتابزدگی

انسان، گاه در داوری‌های علمی خود شتاب می‌کند و به صرف فراهم آمدن اطلاعاتی اندک درباره یک موضوع، به نتیجه‌گیری می‌پردازد و چنان می‌پندارد که به همه جوانب مسئله احاطه کامل داشته و هیچ نکته‌ای در پس پرده ابهام باقی نمانده است. این گونه اظهارنظرهای شتابزده، یکی دیگر از لغزشگاه‌های اخلاقی اندیشه است. قرآن کریم در تفسیر شتابزدگی می‌فرماید: (و انسان «بر اثر شتابزدگی» بدی‌ها را طلب می‌کند. آن گونه که نیکی‌ها را می‌طلبد؛ و انسان، همیشه عجول بوده است). امام علی (ع): از شتابزدگی پرهیز؛ زیرا شتابزدگی در کارها موجب می‌شود که انسان به هدف نرسد و کارش ستوده نباشد.

۳. موانع دستیابی به علم حقیقی

۳-۴. تمایلات نفسانی

هدف از تحصیل علم این است که به میزان توان، به حقیقت نایل شویم؛ اما دیدگان اندیشه زمانی می‌توانند به جمال حقیقت روشن شوند که گرد و غبار گرایش‌های نفسانی بر چهره آن ننشسته باشد و از اسارت و بردگی وهم و خیال رهیده باشد.

حُبّ و بغض‌ها و جهت‌گیری‌های تعصب‌آمیز، مسیر تعلیم و تفکر را منحرف کرده و انسان را از کشف حقیقت و درک درستی یا نادرستی امور باز می‌دارد. عجب و خودبزرگ‌بینی نیز یکی دیگر از رذایل اخلاقی است که ثمره‌ای جز سستی و ضعف عقل و گمراهی علمی انسان را در پی ندارد.

عجب و خودبزرگ‌بینی نشانه ضعف و سستی عقل است.

۴. آداب اخلاقی آموختن

توصیه‌های ارزشمند پیامبر گرامی اسلام (ص) به ابوذر غفاری:

ای ابوذر! به درستی که بدترین مردمان در نزد خداوند در روز قیامت، عالمی است که از علمش سودی نبرده است و کسی که برای جلب توجه مردم به سوی خود به دنبال تحصیل علم باشد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

ای ابوذر! بوی بهشت به مشام کسی که برای مردم فریبی در جستجوی علم باشد نخواهد رسید.

ای ابوذر! هر گاه از تو چیزی پرسیدند که پاسخ آن را نمی‌دانی، بگو نمی‌دانم و خود را از پیامدهای آن نجات ده و به چیزی که نمی‌دانی فتوا مده تا از عذاب خداوند در روز قیامت نجات یابی.

ای ابوذر! گروهی از بهشتیان از گروهی از اهل جهنم آگاه می‌شوند و به آنها می‌گویند: «چه چیز شما را جهنمی کرد، در حالی که ما به برکت تربیت و تعلیم شما بهشتی شدیم؟» آنان در پاسخ می‌گویند: «ما دیگران را به کارهای خیر فرمان می‌دادیم و خود به آنها عمل نمی‌کردیم».

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۱. انگیزه الهی (اخلاص)

نخستین موضوعی که دانشجو باید به طور جد به آن توجه کند، نیت و انگیزه تحصیل است. بر اساس نظام اخلاقی اسلام، نیت و انگیزه، بیش از خود عمل اهمیت دارد؛ «نیت مومن بهتر از عمل اوست».

اصولاً، ماهیت هر عملی با توجه به نیتی که فرد در انجام آن داشته است، مشخص می‌شود. بر اساس نظام اخلاقی اسلام «حُسن فعلی»، یعنی خوب بودن کار، برای ارزش‌گذاری اخلاقی آن کافی نیست؛ بلکه «حُسن فاعلی»، یعنی نیت خوب داشتن در انجام آن نیز باید به آن ضمیمه شود. امام صادق (ع) فرمود: «نیت برتر از عمل است، آگاه باشید که نیت خود عمل است». ایشان در تأیید این سخن «شاکله» در آیه ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾ (اسراء، ۸۴) به معنای نیت تعریف کرده‌اند.

کار اخلاقی از دیدگاه اسلام کاری است که صرفاً برای رضایت خداوند انجام گرفته باشد.

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۱. انگیزه الهی (اخلاص)

مراتب رضایت الهی: بهره‌مندی از نعمت‌های الهی و دخول در بهشت، رهایی از عذاب الهی و ترس از جهنم؛ صرفاً رضایت و خوشنودی خداوند.

تأثیر نیت روی کار در تکامل نفس انسان و رسیدن او به سعادت ابدی، تأثیری تکوینی است، نه قراردادی. به تعبیر دیگر نیت بیانگر یک رابطه حقیقی است و نه یک رابطه قرار دادی. عمل بدون نیت یک کالبد مرده است که با دل و روح انسان ارتباط نمی‌یابد.

منظور از نیت، داعی و انگیزه کار است. یعنی تنها عاملی که موجب انجام این عمل شود، انگیزه الهی و پیروی از خداوند باشد، نه از روی ریا و خوشایند دیگران.

علم‌اندوزی در صورتی ارزشمند است و ما را به به سعادت و کمال نهایی نزدیک می‌کند که هدف اصلی از تحصیل آن قرب الهی باشد و در غیر این صورت تأثیری در سعادت واقعی انسان ندارد.

نشانه نیت الهی در تحصیل علم: به همان اندازه که علم و دانش انسان افزایش یابد، ذلت درونی او در برابر خودش، تواضعش در برابر مردم، خوف و خشیتش در برابر خدای متعال و درکش نسبت به دین و حقایق الهی افزایش یابد.

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۲. انتخاب استاد شایسته

تأثیر استاد شایسته و نوع ارزش‌ها و نگرش‌ها و جهان‌بینی و ایدئولوژی او بر شاگردان، بر کسی پوشیده نیست.

امام باقر (ع) منظور از طعام در آیه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ را علم می‌داند و اینکه انسان باید مواظب باشد علمش را از چه کسی می‌گیرد.

استاد شایسته کسی است که بار رفتار خود دانشجو را به کسب فضایل ترغیب و از آلودگی به رذایل اخلاقی دور کند. استادی که دیدن او انسان را به یاد خدا اندازد و سخن گفتنش بر علم دانشجو بیفزاید.

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۳. رعایت اولویت‌ها

دوران دانشجویی به گونه‌ای است که اگر دانشجو تلاش بسیار کند و از لحظات و ساعات عمرش کامل و بهینه بهره‌گیری کند، باز هم نمی‌تواند به مسئولیت‌های واجب ضروری‌اش، جامعه عمل بپوشاند. یعنی مسئولیت‌ها و وظایف دینی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجو به اندازه‌ای است که دیگر فرصتی برای انجام کارهای مباح و مستحب باقی نمی‌ماند.

مهم‌ترین وظیفه دانشجویان تحصیل دانش‌های سودمند برای جامعه است. دانش‌هایی که در جهت رشد و پیشرفت فراگیر جامعه اسلامی باشد.

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۴. خوب گوش دادن

یکی از آدابی که رعایت آن برای هر کسی، به ویژه دانشجویان لازم است، هنر خوب گوش دادن به سخنان استاد است.

این موضوع نه تنها ادب شاگرد در برابر استاد را نشان می‌دهد، بلکه راهی است برای بهره‌مندی بیشتر دانشجویان از محضر استادان.

امام علی می‌فرماید: «زمانی که نزد دانشمندی نشستی، پس بر شنیدن نسبت به گفتن حریص‌تر باش و خوب گوش دادن را بیاموز همان گونه که خوب گفتن را می‌آموزی و سخن هیچ کس را قطع نکن.»
شنونده خوب کسی است که:

اولاً، در سخنان گوینده، خوب دقت کند و به تعبیر دیگر، برای «ادراک» آمادگی کافی داشته باشد؛
ثانیاً، بردبار و شکیباً بوده و احساس خستگی نکند؛
ثالثاً، بتواند میان نکات اصلی گفتار گوینده و شاخ و برگ‌های آن تفکیک نماید، مثلاً مناقشه در مثال نکند و به لبّ سخن توجه کند.

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۵. پرسش و پرسشگری

پرسش و پرسش‌گری اگر برای کشف حقیقت و فهم واقعیت باشد، نه تنها از فضایل اخلاقی است، که در پاره‌ای اوقات از نظر شرعی و فقهی نیز واجب است. کسی که مسائل شرعی خود را نمی‌داند، یادگیری آن بر او واجب می‌شود و اگر راه فهم حکمی در پرسش از کسی باشد، پرسیدن واجب خواهد شد. پیامبر اعظم (ص): «دانش گنج است و کلید آن پرسش است؛ پس پرسید -خدا شما را رحمت کند- به درستی که چهار دسته اجر دارند: پرسشگر، گوینده، شنونده و دوستدار آنها». البته باید دانست که ارزش پرسش و پرسشگری ارزشی ذاتی نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که پرسش‌گری در هر شرایطی مطلوبیت داشته باشد؛ بلکه در صورتی ارزش اخلاقی است که به منظور کشف حقیقت و فهم واقعیتی باشد، وگرنه اگر برای اظهار فضل و مچ‌گیری و امثال آن باشد، کاری بسیار زشت و ناپسند است. یکی از عوامل اختلاف و تفرقه پرگویی جاهلان است؛ کسانی که نادانسته سخن می‌گویند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که بنا داشته باشد به هر نحو ممکن همه سؤالاتی که از او می‌شود پاسخ دهد دیوانه است».

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۶. ضبط و نگارش مطالب

شایسته است دانشجویان مطالب نو و جدیدی را که در هر درس می‌آموزند، یادداشت نمایند.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

پیامبر گرامی اسلام با بیان‌های مختلف مسلمانان را به نوشتن تشویق کرده و می‌فرمود: «علم را در زنجیر کنید». در پاسخ این پرسش که پرسیدند: «زنجیر کردن علم چگونه است؟» فرمودند: «نگارش آن».

«دانش را بنگارید، چرا که شما بدون نگارش نمی‌توانید آن را حفظ کنید».

«کتاب‌های خود را نگهداری کنید، چرا که در آینده به آنها نیاز خواهید داشت».

۴. آداب اخلاقی آموختن

۴-۷. تواضع در برابر استاد

احترام به عالمان نشانه بهره‌مندی از عقل و حرمت عالمان همانند حرمت شهیدان و صدیقان معرفی شده است. از شاگردان و متعلمان خواسته شده که همچون ملائکه که در برابر اهل تواضع می‌کنند و بال‌های خود را زیر پای عالمان می‌گسترانند، عالمان را بزرگ داشته و بر صدر نشانند و برای استاد همچون بنده و خدمتکار باشند.

امام سجاد در رساله حقوق خود می‌فرماید: «حق کسی که به تو علم می‌آموزد این است که او را بزرگ داری و احترام مجلسش را نگه داری و به نیکویی به سخنانش گوش فرادهی و به او روی آوری و در نزد او با صدای بلند سخن نگویی و اگر کسی از او سؤالی پرسید در جواب دادن به آن بر او پیشی نگیری؛ و در محضر او با دیگران سخن نگویی و در نزد او از دیگران غیبت نکنی....».

دلیل ارزش و اهمیت دادن اسلام به معلم و استاد:

۱. ارزشمندی و اهمیت خود علم. علم یک کمال است و از جهل و نادانی بهتر است.

۲. باعث رشد و پیشرفت علم و در نتیجه پیشرفت جامعه اسلامی می‌شود.

۵. خودشناسی

آموختن برخی دانش‌ها از واجبات عینی بوده بر هر مسلمانی لازم است که پیش از هر دانش دیگری به آموختن آنها پردازد. یکی از دانش‌ها «خودشناسی» است.

خودشناسی مقدم بر همه دانش‌ها و معرفت‌های دیگر است. از دانشجو هرگز پذیرفته نیست که صرفاً به تحصیل و تعلیم علوم بیرونی پرداخته و از خود غافل باشد.

برای انسان، خُسران بزرگی است که جوهر و ذات مسائل بیرونی را بداند و همواره به مطالعه و آزمایش و تجربه امور بیرونی و تفکر در مسائل آفاقی پردازد، اما از سیر انفسی و اندیشه در امور نفسانی و درونی خود غافل بماند.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ
وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ

هر چیز دنیوی شنیدنش بزرگتر از رسیدن
به آن است و هر چیز آخری دیدنش
بزرگتر از شنیدنش

بحار الانوار ج ۸ ص ۱۹۱

